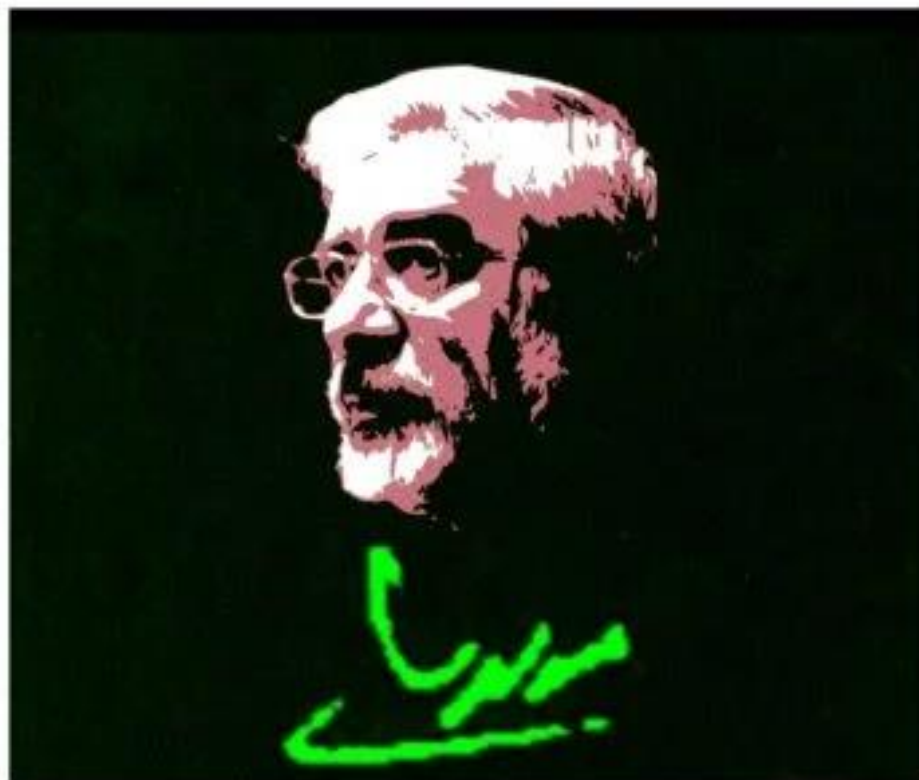


برای نجات ایران



محسن کدیور

۱۵ بهمن ۱۴۰۱

بنا داشتم به مناسبت چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ چیزی بنویسم. به جای آن پیام شجاعانه میرحسین موسوی از کنج حصر دوازده ساله را باز نشر می‌کنم. این صدای راستین ملت ایران است که از کوچه اختر شنیده می‌شود. رهبری جنبش اعتراضی داخل کشور است. بسیار خوشحالم که میرحسین موسوی در کار مداوم ارتقای اصلاح و گفتمان خود است. در مقدمه تنها به دو نکته کوتاه اشاره می‌کنم:

نکته اول. این پیشنهاد حمایت‌های من از میرحسین موسوی در مقاطع مختلف است: [بیانیه های مهندس](#)

[میرحسین موسوی نماد جنبش سبز مردم ایران \(۲۳ خرداد ۱۳۸۸\)](#): [ندای سبز: روایتی از جنبش سبز مردم ایران](#)، جلد اول: نوشتارها (۹۳-۱۳۸۸)، کتاب الکترونیکی، آبان ۱۳۹۳، ۴۷۸ صفحه؛ [ولی حصر - به مناسبت هفتمین سال حصر غیرقانونی مهدی کروی، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد \(۲۶ بهمن ۱۳۹۵\)](#): [نقطه عطفی در اعتراض نخبگان سیاسی به جمهوری اسلامی: به استقبال پیامهای میرحسین موسوی و مهدی کروی از حصر \(۹ آذر ۱۳۹۸\)](#): [مقایسه پرمعنی از کنج حصر \(۱۰ آذر ۱۳۹۸\)](#): [اعدام معترضان را فوراً متوقف کنید \(۱۸ آذر ۱۴۰۱\)](#).

نکته دوم. این ها نمونه ای از مطالبات من در نقطه عطفهای سالهای اخیر است: [مقایسه سه رویکرد](#)

[مختلف در استراتژی اجرای قانون اساسی \(مصاحبه با سایت کلمه، ۱ خرداد ۱۳۹۰\)](#): [گذار مسالمت‌آمیز از نظام](#)

[اصلاح ناپذیر \(۸ اسفند ۱۳۹۶\)](#): [اصلاحات ساختاری و نظام اصلاح ناپذیر \(۱۸ مرداد ۱۳۹۷\)](#): [چه می‌خواهیم؟](#)

[انتخاب سبک زندگی، حذف اصل نظام \(۵ مهر ۱۴۰۱\)](#).

این هم متن کامل بیانیه اخیر وی:

برای نجات ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

اعتراضات به حق مردم و حوادث خونبار ماه‌ها و سال‌های اخیر حقایق بزرگی را به ملت ما ثابت کرد. لجاجت، اصرار بر روش‌های سرکوبگرانه به جای گفت‌وگو و اقناع، و خودداری از برداشتن کوچک‌ترین گامی در جهت احقاق حقوق مصرح شهروندان در قانون اساسی و مطالبات مردم سال‌به‌سال بر دوری حاکمان از مردم افزود و جامعه را از اصلاح در چارچوب ساختار موجود مأیوس کرد .

زایش دلهره‌آور فاصله‌های طبقاتی، اثرات سیاست‌های ماجراجویانه دشمن‌محور به جای دوستی و همکاری جهانی و منطقه‌ای، فساد گسترده در نهادهای پولی و مالی، خفقان گسترده فرهنگی، فقدان آزادی‌ها و سرکوب وحشیانه زنان و مردان و حتی کودکان به ملت ما نشان داد که «اجرای بدون تنازل قانون اساسی»، به عنوان شعاری که سیزده سال پیش بدان امید می‌رفت، دیگر کارساز نیست و باید گامی فراتر از آن گذاشت .

قانون به عنوان تنها راه نجات کشور زمانی معنا می‌دهد که خود بر ناموسی پیشین از عدالت و حقانیت تکیه کند. قانونی به‌روزی به بار می‌آورد که برآمده از مردم و برای مردم باشد، نه در خدمت حراست از امتیازات ناروا و جایگاه کسانی که خویشتن را مافوق قانون می‌دانند .

اینک همه از وجود بحران‌های به‌هم‌پیوسته در کشور خبر دارند: بحران اقتصادی (از گسترش فقر تا سقوط آزاد ارزش پول ملی و تورم کمرشکنی که بار سنگین آن قامت اکثر مردم را خم کرده است)، بحران مدیریت و ناکارآمدی (از ناتوانی حاکمیت برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌ها تا فساد ساختاری و شبکه‌ای)، بحران سیاست داخلی و خارجی، بحران زیست‌محیطی، بحران اجتماعی، بحران مشروعیت، بحران فرهنگی و رسانه‌ای و ولی بحران بحران‌ها ساختار تناقض‌آلود و غیرقابل دوام نظام اساسی کشور است. این قدرت غیرپاسخگو و مسئولیت‌ناپذیر است که روزگار را بر ما تاریک می‌سازد و راه را بر به‌روزی مردم رنج‌دیده می‌بندد.

ایران و ایرانیان نیازمند و مهیای تحولی بنیادین‌اند، که خطوط اصلی‌اش را جنبش پاک «زن، زندگی، آزادی» ترسیم می‌کند. این سه کلمه بذره‌های آینده روشن‌اند؛ آینده‌ای پیراسته از ظلم و فقر و تحقیر و تبعیض. اینها سه واژه‌اند که با خود تاریخی از تکاپو و تفکر و مبارزه و آرزو حمل می‌کنند؛ و در میان‌شان «زن» از همه امیدبخش‌تر است، زیرا در بین ما سعادت و خیر عمومی به دست نمی‌آید و مبارزات بزرگ اجتماعی به پیروزی نمی‌رسند مگر با حضور زنان و مردان در کنار هم. و هیچ مبارزه‌ای نیست که با این شرط به پیروزی نرسد .

همان حقی که شالوده انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷ و قانون اساسی فعلی قرار گرفت برای نسل‌های بعدی نیز محرز است، تا اگر تصمیم پیشینیان منجر به گره‌های کور در زندگی جامعه شد، یا ابزار سوء استفاده قدرت‌طلبان بود، بتوانند جهت عبور از بحران‌ها و گشودن مسیر به سمت آزادی، عدالت، مردم‌سالاری و توسعه دست به تجدیدنظرهای اساسی بزنند و به منظور حفظ امنیت عمومی و پیشگیری از خشونت خواستار تغییر نظم موجود یا تدوین میثاقی اساساً تازه شوند؛ میثاقی که پیش‌نویس آن از سوی نمایندگان منتخب مردم، از هر قومیتی و با هر گرایش سیاسی و عقیدتی تهیه شود و در یک همه‌پرسی آزاد به تأیید ملت برسد .

در این جهت اینجانب به عنوان یکی از آحاد ملت ایران با استناد به حق مستمر و غیرقابل‌سلب انسان‌ها برای تعیین سرنوشت خود پیشنهاد زیر را به پیشگاه مردم ارائه و با تمامی نیروها و شخصیت‌های آزادی‌خواه، مدافع استقلال و یکپارچگی سرزمینی، خشونت‌پرهیز و توسعه‌گرا در میان می‌گذارم:

اول. برگزاری همه‌پرسی آزاد و سالم در مورد ضرورت تغییر یا تدوین قانون اساسی جدید.

دوم. در صورت پاسخ مثبت مردم، تشکیل مجلس مؤسسان مرکب از نمایندگان واقعی ملت از طریق انتخاباتی آزاد و منصفانه .

سوم. همه‌پرسی درباره متن مصوب آن مجلس به منظور استقرار نظامی مبتنی بر حاکمیت قانون و مطابق با موازین حقوق انسانی و برخاسته از اراده مردم.

این پیشنهاد با ابهاماتی همراه است. کمترینش آنکه چه کسی قرار است آن را بپذیرد یا به اجرا بگذارد. از آن بالاتر چه باید کرد تا چهل سال بعد از نو به همین نقطه باز نگردیم و از سوی آیندگان سرزنش نشویم. از آن مبرم‌تر، چگونه به توانایی مان برای عبور از این مرحله ایمان بیاوریم. مثلاً نگاه کنیم که نفس طرح یک سامان نو چگونه بنای قدرت خودکامه را به لرزه در می‌آورد و او را به واکنش و خواهد داشت. زیرا مأوای اقتدار مردم‌اند. اقتدار در سلاح و سرکوب نیست، بلکه در همراهی ملت است، همان ملتی که اگر نگاهش متوجه و علاقمند به نظامی جدید باشد ساختار پیشین، بخواهد یا نخواهد فرو می‌ریزد .

رفع این ابهامات نیاز به تأمل و همکاری دارد؛ برای نجات ایران، آن مادری که از او طفلی به نام شادی گم شده است، با چشم‌های روشن براق، با گیسویی بلند به بالای آرزو. هر کس از او نشانی دارد ما را کند خبر. این هم نشان ما: یک سو خلیج فارس، سوی دگر خزر.

میرحسین موسوی

۱۵ بهمن ۱۴۰۱



kadivar.com

<https://kadivar.com/19306/>
kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.